

دخالت دولت در اقتصاد و تعیین قیمت های بازار

به مناسبت بزرگداشت روز صنعت و معدن
محسن خلیلی

مقدمه

در دهه های گذشته، دخالت نا هماهنگ، کسبخته و ناهمسو دولت ها در سطح جهانی در ابعاد مختلف از جمله در بازار های پولی و مالی، تعیین نرخ ارز، مقررات بدون برنامه در صادرات و واردات، تاکید بر نرخ بهره بسیار پایین تر از نرخ تورم، سهمیه بندی ها، ارائه امتیازهای ویژه به گروه های خاص، عدم توانمندی در ارائه خدمات مورد نیاز واحدهای خصوصی در فرآیند رشد و ده ها موارد دیگر، اختلالات و موانع توسعه را در کشورها گسترده تر نمود. این امر سبب شد از دهه ۱۹۸۰ چرخش به سمت اقتصاد بازار با شدت بیشتری در کشورهای در حال توسعه افزایش یابد و دهه ۱۹۹۰ را می توان دهه خصوصی سازی و گرایش به توسعه اقتصاد بازار نام گذاری نمود. در این دهه بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر حسب ضروریات و مقتضیات زمان برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب، سعی در استفاده از قوانین بازار برآمدند و به منظور فائق آمدن به مشکلات عظیم اقتصادی به فکر کاهش دخالت های دولت در فعالیت های اقتصادی و خصوصی سازی موسسات تولیدی و تجاری تحت کنترل افتادند.

این روند در کشور ما به دلیل وقوع انقلاب و به دنبال آن جنگ هشت ساله خانمان سوز، نه تنها با روند جهانی در کشورهای در حال توسعه همسو نبود بلکه تلاش در جهت دخالت دولت در همه امور اقتصاد و بازار با شدت بسیار زیاد، افزایش می یافت و سایه دولت در جای بازار و کنترل قیمت ها مشاهده می شد و هر روز بازار متمرکز جایگزین بازار آزاد می گردید به طوری که در حال حاضر بر اساس ارزیابی های بین المللی همچون شاخص آزادی اقتصادی هریتیج، کشور ما در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به طور متوسط امتیاز ۴/۷۵ را به خود اختصاص داده است، و رتبه کلی ایران در بین ۱۶۱ کشور بین رتبه ۱۳۸ تا رتبه ۱۵۰ در نوسان بوده است.

دخالت دولت در اقتصاد و تعیین قیمت های بازار

قیمت ها در هر سیستمی از ابزارهای تخصیص بینه منابع بین بخش ها و کالاهای مختلف هستند، اما برای خوب عمل کردن این ابزار لازم است در فضای آزاد شکل گرفته باشد. از آنجا که قیمت ها حساس ترین متغیر نسبت به

شوکه‌های خارجی هستند، دخالت دولت در روند تعیین قیمت‌ها توجیه‌پذیر می‌گردد. لیکن دولت‌ها در بسیاری از موارد، این دخالت را در حالت عادی نیز اعمال می‌کنند و این دخالت‌های نابجا روند شکل‌گیری قیمت‌ها را دچار اختلال کرده و مانع عملکرد مناسب این سیستم می‌شود. یکی از متغیرهای ده گانه ارزیابی اقتصادی بنیاد هریتیج به تعیین قیمت‌گذاری کالاها و خدمات مربوط می‌شود. امتیاز ایران در این متغیر عدد ۴ می‌باشد و در بین ۱۶۱ کشور رتبه ۱۴۶ را داراست. در بقیه متغیرها امتیاز ایران به شرح جدول زیر است:

عوامل و متغیرهای ارزیابی اقتصادی - هریتیج	
سیاست تجاری - ۲	بار مالی دولت - ۵/۲
مداخله دولت - ۴	سیاستهای پول - ۴
سرمایه‌گذاری خارجی - ۴	بانکداری تامین مالی - ۵
دستمزدها و قیمت کالا و خدمات - ۴	حقوق مالکیت - ۵
قوانین و مقررات - ۵	بازار سیاه - ۵

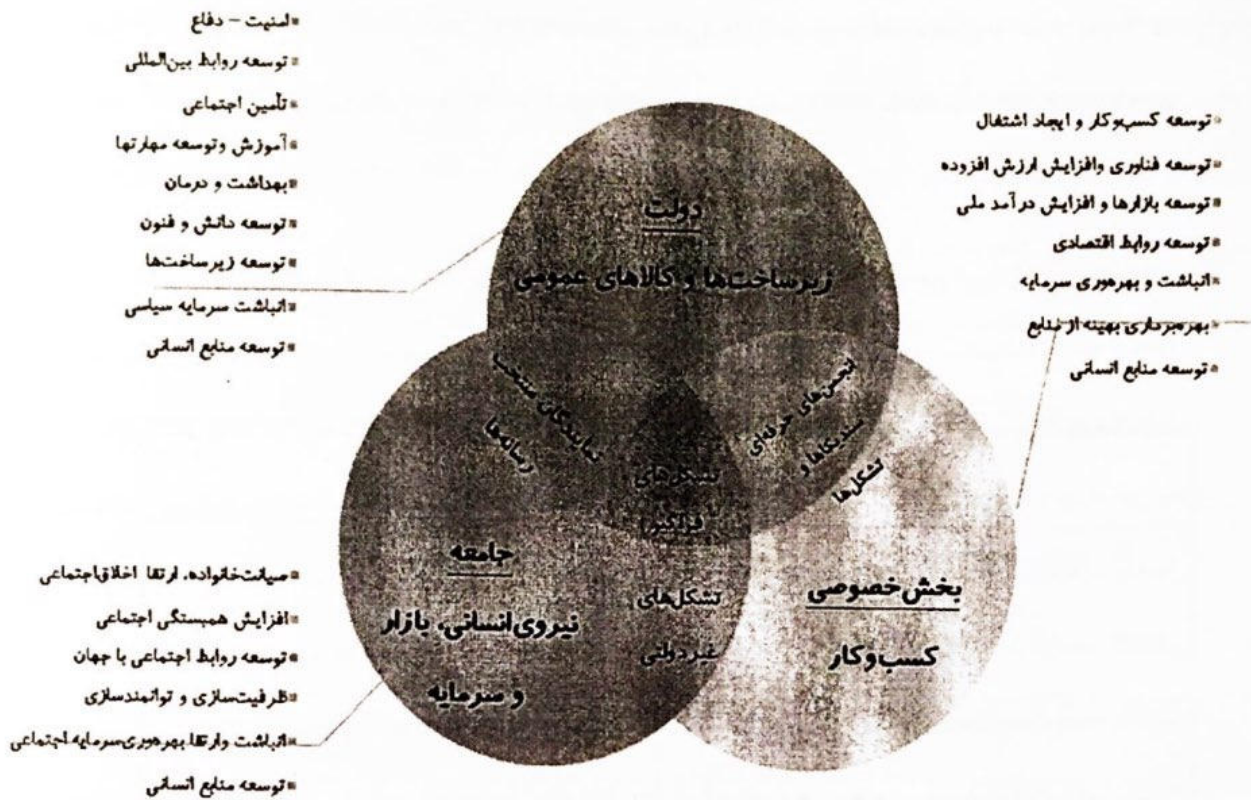
رتبه ایران در ارزیابی اقتصادی اکونومیست به شرح زیر است:

ارزش شاخص (از ۱۰)		رتبه جهانی (شامل ۶۰ کشور)		رتبه منطقه‌ای (شامل ۷ کشور)	
۱۹۹۸ - ۲۰۰۲	۲۰۰۳ - ۲۰۰۷	۱۹۹۸ - ۲۰۰۲	۲۰۰۳ - ۲۰۰۷	۱۹۹۸ - ۲۰۰۲	۲۰۰۳ - ۲۰۰۷
۴/۳	۴/۷۵	۶۰	۵۹	۷	۶

منطقه شامل هفت کشور: ایران، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، الجزایر، نیجریه و آفریقای جنوبی

تحلیل نتایج ارزیابی های مختلف شاخص های آزادی اقتصادی مبین این مطلب است که برای رسیدن به یک کشور توسعه یافته فاصله زیادی داریم و اگر امروز اقدام جدی، عملی و واقعی نکنیم، فاصله ما بیشتر خواهد شد و بایستی با مشکلات بیشتری روبرو شویم.

امتیاز کلیه شاخص ها تقریباً یکسان و نزدیک به هم هستند و این ویژگی یادآور این موضوع است که توسعه یافتگی و یا عدم توسعه یافتگی بصورت یک مجموعه یکپارچه عمل می کند و شاخص ها اجزای این مجموعه بوده که در یکدیگر تاثیر گذار بوده و از همدیگر متاثر می شوند و چنانچه بخواهیم در مسیر توسعه گام برداریم نیازمند انتخاب نگاه و رویکرد یکپارچه است و برای دستیابی به توسعه پایدار بایستی سرمایه گذاری در همه ابعاد آن به صورت یکپارچه و هماهنگ صورت گیرد. به عبارت دیگر در آسیب شناسی، بررسی دلایل و انتخاب راهکار و راه حل برای توسعه یافتگی بایستی به همه ابعاد توجه نمود. بدیهی است بکارگیری یک راهکار در یک بعد توسعه یافتگی می تواند تاثیر معکوس و نامطلوب در دیگر ابعاد توسعه داشته باشد. گام اول در حرکت به سمت توسعه یافتگی شناسایی و تعریف بازیگران عرصه توسعه و تعیین نقش تک تک آنها در این مسیر می باشد. چنانچه این اقدام صورت نگیرد احتمال به انحراف افتادن بسیار زیاد خواهد بود. بررسی ها و تجربه دیگرانی که مسیر توسعه را با موفقیت طی کرده اند نشان می دهد بازیگران عرصه توسعه، دولت، بخش خصوصی و جامعه است و مشخصه های آنها شامل موارد زیر است:



گام دوم پرداختن به هر متغیر توسعه با در نظر گرفتن تأثیر گذاری و تأثیرپذیری بقیه ابعاد توسعه است. حال اگر بخواهیم دخالت دولت را در امر قیمت گذاری مورد بررسی قرار دهیم بایستی نقش دولت را به صورت کامل تعریف و تبیین کنیم و دولت هم به طور عملی به نقش و وظایف خود پایبند باشد و از دخالت‌های بی مورد در اقتصاد و قیمت‌های بازار خودداری نماید.

در ایران یکی از ریشه‌های اصلی دخالت دولت در سیستم قیمت‌ها وظایف فراوانی است که در بخش‌های مختلف اقتصادی برای آن تعریف شده است. به عبارت دیگر، دولت به دلیل عملکرد انحصاری و دخالت در فعالیت تولیدی در بسیاری از بخش‌های اقتصاد، ناگزیر در شکل‌گیری قیمت‌ها اثر می‌گذارد. از طرف دیگر، دولت با پرداخت یارانه به برخی کالاها و عوامل تولید قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال، دولت به نهاده‌های بخش

کشاورزی، فرآورده‌های نفتی و کالاهای اساسی یارانه‌های قابل توجهی اختصاص می‌دهد. در حالی که نقش دولت بسیار بزرگتر و پراهمیت‌تر است. نقش و وظایف دولت در کشورهای توسعه یافته به صورت شفاف تعریف شده است که این تعریف می‌تواند با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص کشورمان مورد استفاده قرار گیرد. نقش دولت در چارچوب کلی و عمومی در ۵ محور شامل موارد زیر می‌باشد:

شفاف سازی، پاسخگویی به تعهدات، ایجاد مشارکت‌جویی، وفاق اجتماعی، عدالت، ظرفیت‌سازی و

افزایش کارایی و اثربخشی

از طرفی تشکل‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای، تخصصی و صنفی یکی از ارکان توسعه محسوب می‌شوند که نقش بسیار مهمی را در کاهش مداخله دولت در اقتصاد ایفا می‌کنند. این نقش‌ها عبارتند از:

- ↓ مشارکت در سیاستگذاری
- ↓ بهبود محیط کسب و کار
- ↓ توسعه بازار و ارتباطات
- ↓ توانمندسازی بخش خصوصی
- ↓ اعاده حقوق مصرف‌کنندگان
- ↓ فعالیت‌های صنعتی-تجاری و صنفی

اما مداخله دولت در اقتصاد و توجه کمتر به نقش‌های خویش که در مباحث قبلی بدانها پرداخته شد، سبب شده تا اقتصاد دولتی کشور با چالش‌ها و تنگناهای زیادی روبرو شود. عمده‌ترین این تنگناها عبارتند از:

- ↓ فقدان یا ناکارایی نظام " موازنه و کنترل " در دولت ناشی از قدیمی بودن و بلااثر بودن قوانین، و تعداد دستگاههای اجرایی مسئول.
- ↓ عدم توسعه علمی و تخصصی دولت.

- ✦ کثرت مداخله های دولت در اقتصاد.
- ✦ تمرکز بیش از حد و توان و ظرفیت در دولت و دستگاه های اجرایی .
- ✦ کثرت بیش از حد لایه های تصمیم گیری در دولت.
- ✦ ملی سازی گروهی از اموال مردم.
- ✦ مداخله و فعال کردن موسمی ستادهای تنظیم بازار و نظارت بر قیمت گذاری .
- ✦ مداخله دولت در اقتصاد از طریق قانون گذاری و تصدی گری .

حال چنانچه دولت در نقش خود به صورت اثربخش ظاهر شود و وظایف پر اهمیت خود را به عنوان اصلی ترین بازیگر عرصه توسعه ایفا نماید و از طرفی سایر بازیگران عرصه اقتصاد در جهت ایفای بهتر نقش خویش توانمند شوند، نتایج زیر در توسعه اقتصادی/اجتماعی کشور حاصل خواهد شد.

- ✦ تأمین امنیت اقتصادی بخش خصوصی از طریق ایجاد ساز و کارهای گسترش حقوق مالکیت این بخش در برابر تعرضات قانونی
- ✦ گسترش نهادهای اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی همساز با توسعه از طریق حکمرانی خوب دولت
- ✦ کاهش هزینه های مبادله از طریق گسترش حقوق مالکیت خصوصی و تضمین حفاظت قانونی از این حقوق
- ✦ حذف ساختارهای انحصاری در اقتصاد ایران و وجود یک فضای رقابتی مؤثر
- ✦ اصلاح کارکرد دولت در جهت مبارزه با فساد مالی
- ✦ کاهش فرصت های رانت جویی در اقتصاد
- ✦ حذف بوروکراسی دست و پاگیر اداری
- ✦ افزایش کارایی سیستم نظارتی در جهت تحلیل عملکرد ، تطابق عملکرد با اهداف و در نهایت ارزیابی نتایج قوانین و مصوبات اجرایی
- ✦ اصلاح ساختار نظام تصمیم گیری و تصمیم سازی از طریق تقویت وظایف سازمان های مربوطه و تقویت ساز و کار تصمیم سازی

📌 تأمین فرصت‌های اجتماعی یکسان (آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی و...) برای افراد جامعه

📌 پاسخ‌گویی دولت و مسئولین در قبال خواسته‌ها و انتقادات مردم

📌 اصلاح ساختار آموزش و پرورش در جهت تربیت انسان‌های خلاق، قانون‌گرا، مشارکت‌جو و دارای اعتماد به نفس

📌 ایجاد نظام تشویق کارکنان بر مبنای کارایی آنها به جای نظام رابطه مدار اداری

با توجه به مطالب ذکر شده در مورد وظایف دولت و سایر بازیگران عرصه توسعه پیشنهادات

زیر در جهت کاهش دخالت دولت در اقتصاد و قیمت‌های بازار ارائه می‌شود:

📌 با اتخاذ سیاست آزاد سازی تجاری - که نشأت گرفته از تمایل کشور به عضویت در سازمان تجارت جهانی و همچنین عقلایی کردن رفتار و سازوکار بازار است - ادامه روش کنترل بازار و قیمت گذاری کالاها - حتی کالاهای اساسی - با ابهام و ایراد بسیار روبرو است.

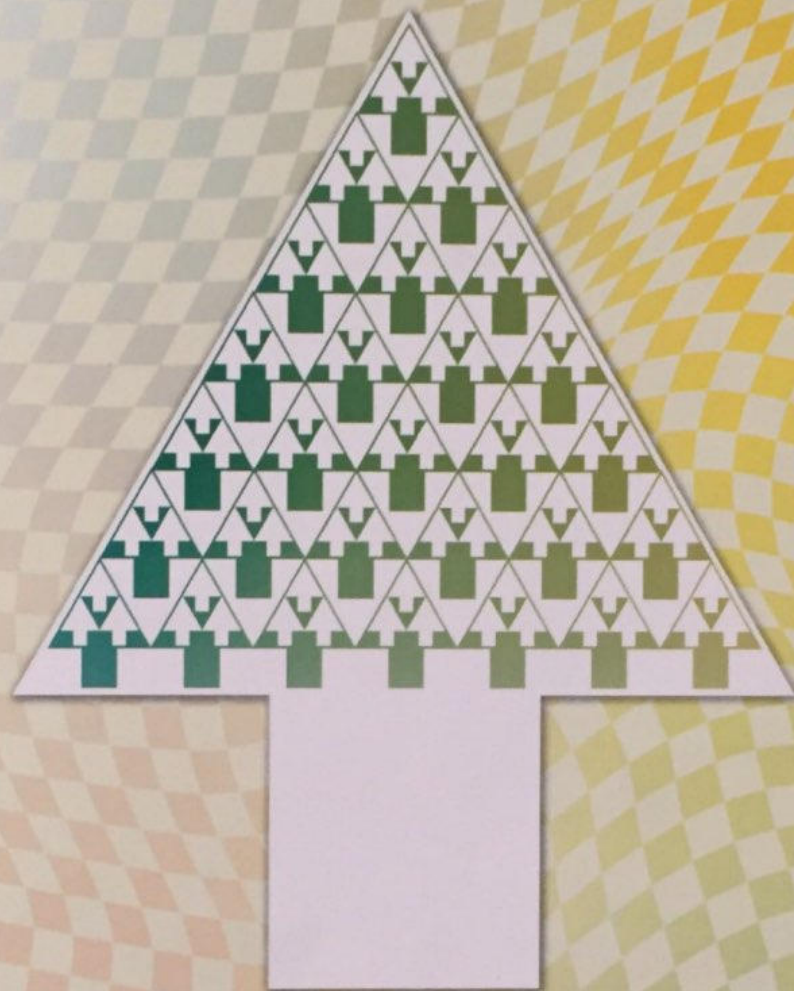
📌 در اقتصاد کنونی و صنعت امروزی جهان که عمر متوسط یک محصول در عرضه به بازار بعلاّت تحولات و تغییراتی که ساخت و شکل کالاها رخ می‌دهد به سه ماه رسیده است پافشاری در تعیین قیمت و کنترل آن در خارج از محیط تولید (بنگاه)، به نوعی کتمان واقعیت و مبتنی بر اسارت در شعارهای آرمانی و غیرعملی است.

📌 در شرایطی که کشورهای در حال توسعه سیاست توسعه سرمایه گذاری و جذب سرمایه های ملی و بین المللی را برگزیده اند و برای تحقق آن همه موانع مشکلات، ابهامات و نگرانیها را از مسیر برداشته اند کشور ما نیز باید به سرعت به تقویت "تشکیل سرمایه ثابت" در بخش خصوصی و گسترش صنعت پردازد و نسبت به آن تردید و شک روا ندارد. بررسی ها نشان می دهد که سرمایه گذاری واقعی در اقتصاد ایران در دو دهه گذشته نزدیک به ۱۵ درصد کاهش یافته و در همین مدت جمعیت کشور در حدود شصت درصد بالا رفته است. این بررسی از لحاظ تطبیق سرمایه گذاری به جمعیت حاکی است که سرمایه گذاری واقعی سرانه در سالهای مورد مطالعه به نصف رسیده است این در حالی است که در بسیاری از کشورهای مشابه ایران این نسبت روند صعودی را طی کرده است. شواهد دیگر را می توان از تحلیل نرخ تشکیل سرمایه ثابت کل نسبت به تولید ناخالص داخلی در دهه ۵۰ را با دهه هفتاد مقایسه کرد که از ۲۲ درصد به ۹ درصد رسیده و سهم ماشین آلات و تجهیزات نیز از ۲۸ درصد به ۱/۱۲ درصد کاهش یافته است.

❖ در دنیایی که کارخانه های صنعتی برای اینکه از تحولات قیمت ها در بازار عقب نمانند مطالعات قیمت کالاهای تولیدی را به دهها موسسه پژوهشی و تخصصی و مراکز دانشگاهی سفارش می دهند نمی توان انتظار داشت که کارکنان و کارشناسان دولتی در سازمان حمایت قادر باشند که قیمت کالاها را - آنهم با اینهمه وسعت و تنوع - با یک ضابطه ساده و کهنه تشخیص دهند و آن را حاکم بر سرنوشت واحدهای صنعتی کنند.

❖ مداخله در قیمت گذاری نه تنها گره گشای مشکلات تورم و مانع افزایش قیمت ها نبوده بلکه حمایت از تولیدکنندگان نیز به بوته فراموشی سپرده شده است. وظیفه دولت در زمینه تشویق صادرات صنعتی و هموار کردن مسیر آن بوده است که نشانه های محدودی از این تکالیف به چشم می خورد.

❖ شرایط کنونی کشور اقتضا می کند که دولت - همانطور که وعده داده شده است- در ساختار و زیر مجموعه خود هم چنین مقرراتی که بر کار بازرگانی کشور حاکم است، بازنگری کند و در ادامه فعالیت سازمانهای مزاحم و غیرکارآمد و متورم (از نظر کارکنان) و همچنین بوروکرات اندیشه و تدبیر نماید. این هدف مستلزم مطالعات کارشناسی و تخصصی است که نیازمند مشارکت اساتید دانشگاهی، خبرگان صنعتی و بازرگانی، تشکل های تخصصی و صنفی، کارشناسان آزاد و غیردولتی است تا بطور غیرجانبدارانه و براساس تشخیص ضرورت ها و شرایط ایران و جهان به طراحی سازمان، ساختار، وظایف و حدود تکالیف دولت در زمینه بازرگانی بپردازند.



تیر ماه ۱۳۸۶



انجمن مدیران صنایع



کنفدراسیون صنعت ایران